

فهرست مطالب

- ۹ پیشگفتار * فرزانه فرنیا
- ۱۳ پیش‌درآمدی بر نسخه‌ی فارسی * باربارا هسل‌باخ
- ۱۵ پیش‌درآمد * باربارا هسل‌باخ
- ۱۹ درآمد * میسائل کوگیلر
- گونیلد کیتمن:
- ۴۳ یاد روزهای گونتر - شوله (۱۹۷۸)
- کارل اُرف:
- ۵۹ انگاشته‌هایی درباره‌ی موسیقی‌پردازی با کودکان و غیرحرفه‌ای‌ها (۱۹۳۲)
- دُروتی گونتر:
- ۶۹ انسان ریتم‌پذیر و آموزش او (۱۹۳۲)
- کارل اُرف:
- ۸۱ موسیقی از دل حرکت (۱۹۳۲)
- دُروتی گونتر:
- ۸۹ حرکت بنیانی (۱۹۶۲)
- ویلِهلم کِلر:
- ۹۹ پیش‌درآمدی بر تعریف موسیقی بنیانی (۱۹۶۳)
- کارل اُرف:
- ۱۱۱ اُرف - شول‌ورک: دیروز و فردا (۱۹۶۳)

Shiraz-Beethoven.ir

وِرِنر توماس:

«در آغاز فقط کلمه بود...» - از ارزش‌های گفتار در مکتب آرف - شول‌ورک (۱۹۶۹) ۱۲۷

هرمن رگنر:

ایده‌های آموزشی کارل آرف - آرمان و واقعیت (۱۹۷۵) ۱۳۳

باربارا هسل‌باخ:

نگاشته‌هایی درباره‌ی سوبه‌های حرکت‌آموزی در آرف - شول‌ورک (۲۰۱۰/۱۹۸۴) ۱۵۳

هرمن رگنر:

«موسیقی برای کودکان - موزیک فور کیندر - موزیک پور آنفان»، شرحی بر

بازنگاری و اقتباس از آرف - شول‌ورک در کشورهای گوناگون (۱۹۸۴) ۱۶۹

اولریکه ای. یونگ‌مایر:

آموزش موسیقی و حرکت بنیانی: تأملی بر بنیان‌ها و جنبه‌های انسان‌شناختی

(۲۰۱۰/۱۹۹۷) ۱۸۹

رودلف نیکرین:

پنجاه سال «موسیقی برای کودکان - آرف - شول‌ورک»: گمانه‌هایی در باب

وضعیت کنونی یکی از ماندگارترین مکتب‌های آموزش موسیقی (۲۰۱۰/۲۰۰۰)

..... ۲۰۷

پیوست‌ها

فهرست منابع ۲۳۵

زندگی‌نامه‌ها ۲۴۱

مختصری درباره‌ی همایشگاه آرف - شول‌ورک سالزبورگ ۲۵۵

واژه‌نامه ۲۶۱

پیشگفتار

آرف - شول‌ورک نام رهیافتی است که کارل آرف و همکارانش برای آموزش موسیقی به کودکان ابداع کردند. از عبارت آرف - شول‌ورک برمی‌آید که نامی باشد برای اشاره به دسترنج شخصی به نام آرف، اما در حقیقت و چنان‌که خود کارل آرف، آهنگ‌ساز و آموزش‌شناس آلمانی، هم اذعان و اصرار داشت، این نام، نام رهیافتی است در آموزش موسیقی به کودکان و از تلاش کارل آرف و جمعی از همفکرانش، از جمله گونیلد کیتن، حاصل آمده است. در زبان آلمانی، اصطلاح شول‌ورک (Schulwerk) به معنای کار مدرسه‌ای به کار می‌رود و از عبارت «کار مدرسه‌ای» برمی‌آید که طرح آموزشی و اصول روشنی باید وضع شود تا امر آموزش پیش برود، درحالی‌که اصل و طرح و مبادی و واژه‌هایی از این دست بر همان مفهومی دلالت می‌کنند که روش می‌خوانیم و در میان روش‌شناسی‌های آموزش موسیقی به کودکان، هیچ‌کدام به اندازه‌ی ادامه‌دهندگان راه آرف - شول‌ورک از «روش» پرهیز ندارند. پس آرف و شاگردانش از کدام منظر تدبیر آموزشی‌شان را روش نمی‌دانند و تأکید دارند که این تعبیر را با واژه‌ی «رهیافت» وصف کنند؟

اصطلاح روش برگردانی است از واژه‌ی «متد» که خود از واژه‌ی یونانی متدوس

(Methodos) به معنای «معرفت‌جویی» یا تعقیب دانش مشتق شده است. روش یا همان متد در زیربنای توسعه‌ی علم مدرن جای دارد و می‌توان گفت که نهادهای دانشگاهی به یاری «روش»‌ها بوده است که در تکثیر و توسعه‌ی نظریه‌های مختلف کامیاب بوده‌اند - البته بسیاری از فیلسوفان و منتقدان علم همین خصلت روش‌باوری و یکپارچگی روشمندان را مانعی بر راه نقد و خوداصلاح‌گری علم شمرده و آن را مهم‌ترین عامل بازایستادن فرد از رشد آزادانه خوانده‌اند. کارل آرف و همکارانش نیز بر این امر واقف بودند که روش و قیده‌های آموزشی گاه همچون افساری بر گرده‌ی خلاقیت به کار می‌افتد و از همین روی هم کوشیدند تا چاره‌ای برای آموزش موسیقی بیابند تا در عین انتقال دانش موسیقی به کودکان، خلاقیت آن‌ها را نیز بیدار کنند.

در ۱۹۲۷، آرف رؤیای آزمودن شیوه‌ای نوین در آموزش ریتم در سر داشت. در جریان جستجوهایش برای تحقق این رؤیا به این نتیجه رسید که ریتم در گوهر کلام، موسیقی، و حرکت جای دارد. آرف و همفکرانش در مدرسه‌ی گونتر - و بعدها در دانشکده‌ی کارل آرف - طرحی در انداختند تا در مراحل مختلف آموزش، این سه بن‌مایه با هم ترکیب شود و به‌واسطه‌ی آن هنرآموزان به درجه‌ی بالایی از رهایی خلاقانه دست یابند و به‌سوی کنشی هنرمندانه هدایت شوند. گام نخست آرف این بود که استفاده از پیانو در آموزش کنار گذاشته و به‌جای آن سازهای کوبه‌ای ساده‌ای چون زنگوله‌ها، خاشخاشک‌ها، سنج‌ها، و طبل‌ها به کار گرفته شود. استفاده از این ابزار ساده فرصتی بود تا موسیقی و حرکت در تسلسلی توأمان رخ دهند و در نتیجه، درک هنرجو از پدیده‌ای که در خلقش دست داشت، رشد می‌کرد. ابداع سازهایی که امروز به نام سازه‌های آرف می‌شناسیم در نتیجه‌ی همین اندیشه ممکن شد.

در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم، ایده‌هایی چون کمینه‌گرایی در شاخه‌های مختلف هنری اقبال یافت و آرف هم با بهره‌گیری از همین ایده‌ها و اندیشه‌ی برگشت

به سرچشمه‌ها، اصطلاح «موسیقی بنیانی» را برای رهیافت آموزشی خود برگزید. موسیقی بنیانی موسیقی طبیعی است که همگان می‌توانند یادش بگیرند و تجربه‌اش کنند؛ در ضمن با طبیعت انسان نیز سازگاری دارد. این موسیقی افزون بر سادگی، شاعرانه و هنرمندانه است و از خلال زبانی فهمیدنی، انسان را به کنش خلاق وامی‌دارد. کارل آرف در سراسر زندگی حرفه‌اش همواره از سازمان‌های فرهنگی اروپایی و آلمانی، به‌خصوص سازمان‌های فرهنگی زادگاه خودش، ایالت باواریا، بهره می‌گرفت، چون بر این گمان بود که هر انسانی با سازوکارهای فرهنگی محیط پیرامون خود مانوس است و به‌آسانی می‌تواند از این سازوکارها استفاده کند، بنابراین کاربست این سازوکارها مایه‌ی تسهیل امر یادگیری خواهد بود. از همین رو هم او یکی از ریشه‌های موسیقی بنیانی را در همین سازوکارهای فرهنگی بازمی‌جست. با گسترش شول‌ورک، مریدان بسیاری از گوشه و کنار جهان روانه‌ی سالزیبورگ شدند تا با آن آشنا شوند و آرف با مشاهده‌ی این پدیده در اندیشه شد که نمی‌توان شول‌ورک را به همان ترتیبی که در آلمان پیاده شده است، به کشورهای دیگر صادر و در این منزل‌های نو بازتولید کرد. او تأکید داشت که رهیافت آرف - شول‌ورک نباید ترجمه که باید با توجه به سازوکارهای فرهنگی هر زادبوم، همچون ترانه‌ها، موسیقی‌ها، و بازی‌های عامیانه و محلی، تفسیر و بازخوانی شود.

در مجلد پیش رو، رهیافت آرف - شول‌ورک از زبان بنیان‌گذاران و توسعه‌دهندگان شرح داده شده و آنچه بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۲۰۱۰ بر این رهیافت گذشته، به تفصیل گزارش شده است. خواننده‌ی فارسی‌زبان با تکیه بر این متن می‌تواند روایتی بی‌واسطه از رهیافت آرف به دست آورد و از زبان بنیان‌گذاران این مکتب با چپستی آن آشنا شود.

فرزان فرنیبا

زمستان ۱۳۹۴

گوتیلد کینمن

یاد روزهای گونتر - شوله

هر روزگار پس از جنگ جهانی اول و پس از فروپاشی آلمان، دورانی از نوسازی و جستجو به دنبال درون‌مایه‌های تازه‌ی هنری و آموزشی و آگاهی از تن از راه رسید؛ دوران‌هایی از بندهای برون و درون؛ روزگاری که فرهنگ‌ها، هنرها، حرکات موزون، و موسیقی‌های غریبه با یکدیگر از نزدیک مواجه شدند. برای نخستین بار در تاریخ، هرکس می‌توانست حرکات موزون مردم اندونزی و سایه‌بازی‌هاشان را ببیند و از نوای اصل‌های گاملان آن‌ها لذت ببرد، یا حرکات موزون آفریقایی‌ها را نظاره کند و با سازهایی غریب سازهای ریتمیک (خاشخاشک، طبل، و زنگوله) و صدالبته ترانه‌های این مردم آشنا شود.

در همین دوران هم بود که ماری ویگمن با گروه شگفت‌انگیزش و آن اجراهای شگرفی منحصر به فردش - که در آن‌ها به جای خط پیانوی همیشگی از همراهی‌های تازه و نامتعارف استفاده می‌کرد - از راه رسید. خانم ویگمن برای همراهی اجراهایش از طبل، گانگ، خاشخاشک، ملودی‌های برانگیزنده‌ی فلوت یا ریکورد^۱، و صداها و

1. Recorder

هرمن رگنر

ایده‌های آموزشی کارل آرف - آرمان و واقعیت

آموزش مواد ساخت‌وساز یا سازمایه‌های آرف - شول‌ورک، همچون سازها، کتاب‌ها، صداها و فیلم‌های ضبط‌شده‌ای که از ۱۹۵۰ به این سو به دست آرف و همکارانش تولید شده‌اند، هر بسیاری از گوشه‌های دور دنیا شناخته شده‌اند و به کار می‌آیند. میزان تأثیرگذاری آرف - شول‌ورک بر آموزش موسیقی در کشورهای گوناگون متغیر است، اما کار عملی آرف - شول‌ورک کماکان ادامه می‌یابد. آیا این تداوم حاصل کیفیت صوتی سازهای این سکت است؟ یا کیفیت ناب و بکر آثار آرف و کیتمن - مشهور به «موسیقی برای کودکان» - است که در این گنجینه نقش دارد؟ گمان می‌کنم که اقبال عمومی آرف - شول‌ورک در گوشه‌های دور و نزدیک جهان مرهون کارایی ایده‌های آرف و همچنین علوم کاربردی عملی و نظری این ایده‌ها در بیست‌وپنج سال گذشته است. حال می‌گویم تا این حکم را موجه سازم. باید به قدر کافی بردبار باشیم و شواهدمان را یکی پس از دیگری پی بگیریم و هر کدام از پرسش‌ها را در موعد خود پاسخ دهیم.

پرسش نخست ساده است: کارل آرف کیست؟ از دانشنامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های موسیقی درمی‌یابیم که او در ۱۸۹۵ در مونیخ پا به این جهان گذاشت، در همین شهر